

بیست سند منتشر

نشده از دوره

خاموشی

مطبوعات

حسن موسوی

اخیراً سازمان اسناد ملی ایران، دو جلد کتاب به نام «اسناد مطبوعات» به چاپ رسانده که وضعیت مطبوعات ایران را از سال ۱۲۸۶ تا ۱۳۲۰ خورشیدی، نشان می‌دهد. در این کتابها، تلاش شده که از کلیه اسناد موجود در سازمان استفاده شود تا آن دسته از پژوهشگرانی که تاریخ مطبوعات ایران را مورد بررسی قرار می‌دهند، سهلتر بتوانند به خواسته خود دست یابند. در میان اسنادی که در دست بود، برخی سندها درباره وضعیت مطبوعات در کابینه کودتای ۱۲۹۹ خورشیدی است که دریغ است جای آنها در این مجموعه گرانقدر خالی باشد. لذا پسندیده آمد که آن چندین برگ سند به فصلنامه گنجینه اسناد سپرده شود تا شاید کمکی باشد برای کاملتر کردن آن دو جلد کتاب.

چنانچه روشن است، بلافاصله پس از کودتای سوم حوت ۱۲۹۹، به دستور رئیس دولت کودتا یعنی سید ضیاءالدین طباطبایی - که خود از روزنامه نگاران مطرح آن روزگار بود - کلیه مطبوعات کشور توقیف شد. این توقیف، چندی ادامه داشت تا آهسته آهسته، افرادی خاص موفق شدند از کابینه کودتا، اجازه طبع و نشر روزنامه یا مجله گرفته، به فعالیت مطبوعاتی، مشغول شوند. این بیست برگ سند که در پی می‌آید، عمدتاً عریضه‌هایی برای اجازه تأسیس یا ادامه فعالیت است که به حکومت

کودتا رسیده و از آن جهت دارای اهمیت است که وضعیت مطبوعات را در شرایط بحرانی و ویژه، نشان می‌دهد. توضیح خاصی برای این مجموعه اسناد، لازم نیست زیرا خود اسناد، گویا و واضح هستند و شرایط بحران را به خوبی نشان می‌دهند.

سند شماره ۱

۱۱ حمل ۱۳۰۰

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته از آن مقام منبع صدور دستخط امتیاز جریده‌ی جدی، هفتگی، مصور، اجتماعی، سیاسی، ادبی و اخلاقی به نام (قرن بیستم) با نهایت خضوع تمنا می‌نماید. جریده قرن بیستم بیشتر اجتماعی و همه هفته یک سلسله مقالاتی که به نیت سوق مشرق زمینی به زندگانی در خور قرن بیستم نوشته خواهد شد، نشر خواهد داد. و نیز نمایشی آهنگی (آپرا) به نام رستاخیز سلاطین ایران در خرابه‌های مداین که تاکنون نظایرش در ایران نبوده این گوینده سروده به ضمیمه نمایشی نیمه آهنگی (آپرت) به نام از تاریکی به روشنایی. تمنا دارد اجازه فرمایند این دو نمایش آهنگی، برای تهیه سرمایه قرن بیستم به موقع اجرا گذارده شود و آنچه تبلیغات برای این دو مسئله لازمست به سرافرازی این گوینده

ابلاغ فرمایند.

سند شماره ۴

ریاست وزراء

کارکنان اداره آن گشته است.

جریده (هگتولا) به خط عبری و زبان فارسی
طبع و منتشر می شود.

مسلک جریده (هگتولا): ملی، اجتماعی،
ادبی، اخلاقی، تاریخی و بیشتر در اوضاع و
احوال کلیمیان بحث و گفتگو می کند و اخبار
ملی آنها را منتشر می سازد. اینک از بندگان

حضرت اشرف اعظم عالی استدعا و درخواست
می نماید که امر و مقرر فرمایند که جریده مزبوره
کمافی السابق طبع و منتشر گردد تا بیش از این
ضرری متوجه کارکنان اداره روزنامه (هگتولا)
نشود. امر امر مطاع

عزیزالله نعیم

[حاشیه]:

اجازه داده می شود.

به حکومت نظامی نوشته شود - اجازه
بدهند.

سند شماره ۷

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۲۱۵۲

کارتن ۸ دوسیه ۱/۱۰

تاریخ ارسالی ۱۱ ثور ۱۳۰۰

حکومت نظامی طهران

روزنامه «هگتولا» که به زبان فارسی و
حروف عبری به مدیریت میرزا عزیزالله نعیم
کلیمی طبع و نشر می شد کمافی السابق آزاد
خواهد بود. قدغن نمایند از طبع و انتشار آن
ممانعت نکنند.

[امضا]

سند شماره ۸

اداره مجله ارمغان

به تاریخ ۲۶ شهر رمضان سنه ۱۳۳۹

قدغن نمایند روزنامه وطن را کماکان آزاد
گذاشته از طبع و انتشار آن ممانعت نمایند.

سند شماره ۵

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۳۹۱۴

کارتن ۸ دوسیه ۱/۱۰

تاریخ ارسالی ۲۳ جوزا

اداره نظمیة

برحسب تصویب هیئت وزراء عظام لازم
است روزنامه وطن را توقیف کرده و از انتشار آن
تا اجازه ثانوی جلوگیری نمایند.

سند شماره ۶

اداره روزنامه «هگتولا»

عنوان تلگرافی: «هگتولا» طهران

مورخه ۸ ماه شعبان المعظم ۱۳۳۹

مقام منیع رفیع بندگان حضرت اشرف اعظم
ریاست وزراء دامت شوکتة العالی

به عرض حضرت اشرف اعظم عالی
می رساند در هفتم شهر شعبان عریضه ای به
حضور بندگان حضرت اشرف اعظم عالی
معروض داشت و درخواست نمود که امر و مقرر
فرمایند اجازه ثانوی طبع و انتشار جریده
(هگتولا) صادر گردد. تاکنون جریده مزبوره به
حال تعطیل باقی است و مبالغی ضرر متوجه

حکومت نظامی طهران

ر. میرزاده عشقی

[حاشیه]:

به عرض برسد.

اجازه داده شود.

در این باب دستوری مقرر فرموده اند [باب
تبلیغات]

سند شماره ۲

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۴۳۶

کارتن ۸ دوسیه ۱/۱۰

تاریخ ارسالی ۱۱ حمل ۳۰۰

خدمت حضرت آقای کلنل کاظم خان حاکم
نظامی طهران دام اقباله نظر به این که آقای میرزا
هاشم خان محیط تقاضا کرده اند که اجازه طبع و
نشر مجدد روزنامه وطن به ایشان داده شود
برحسب امر مبارک حضرت اشرف آقای رئیس
الوزراء دامت شوکتة قدغن فرمایید معزی الیه را
در طبع و نشر روزنامه مزبوره آزاد گذاشته
ممانعت نمایند.

[مهر: آرشیو کابینه ریاست وزراء نمره ۱/۱]

سند شماره ۳

اداره جریده وطن
برج ثور تخاقوری لیل ۱۳۳۹ طهران

آقای غلامعلی خان تاکنون داخل در هیچ
دسته و جمعیتی نبوده و به هیچ وجه مداخلاتی
در پلتیک نداشته و سوء اخلاق از ایشان تا حال
مشاهده نشده است.

مدیر وطن

[امضا]

روحي لك الفداء

پس از ادای مراسم تبریک و فرائض تهنیت معروض می‌دارم مجلهٔ ارمغان، به سرمایهٔ عنایت و لطف (آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست) اعنی بندگان حضرت اشرف امین ابوالمعارف و المکارم آقای وثوق‌الدوله روحی فداء و مدیریت بنده فقط برای خدمت به ادبیات تأسیس گردیده، ولی در غیبت و مسافرت آن حضرت [؟] نتوانست کاملاً به وظیفهٔ ادبی خود رفتار نماید، چنانچه کتاب (سرگذشت اردشیر) هم که به تصدیق همان بزرگوار یگانه بر تمام دواوین شعری که در سیصد سال به این طرف در این نمط شعر گفته‌اند رجحان دارد، و پس از تقبل آن حضرت مخارج طبع و نشر را که بالغ بر دو هزار تومان است، بنده مأمور انجام حکم و اصلاح آن بودم، به همان حالت اولیه باقی ماند و حکم و اصلاح به انجام نرسید (چه توان کرد که سعی من و دل باطل بود). باری به مناسبت این که برخلاف جراید امروزی من در دو روزه ده رو و صد زبان و هزار لباس نمی‌توانستم داشتن، هر کابینهٔ نو خسارتی تازه برایم ارمغان می‌آورد و کابینهٔ نحوست زای اخیر به دست توقیف و تهدید یکباره سرمایه‌ام را به باد داد.

بر تاب عنان وحید از این راه

تا چند ز راستی فسانه

مفروش چنین متاع جانکاه

زیرا که نمی‌خورد زمانه

از راستی است زیر خورگاه

حمال پلاس استوانه

وز کجرویند اختر و ماه

بر چرخ گرفته آشیانه

کج شد چو کمان [؟] آنکه ناگاه

زد تیر مراد بر نشانه

ور زانکه ز من نمی‌نیوشی

باید به علاج خویش کوشی

چون تیغ دو رویه باش و خونخوار

تا لعل به دامت نشانند

یک روست سپر چو روز پیکار

شمشیر کجش به فرق رانند

بشکن چو فلک نبسته زنه‌ار

تا بر سر اخترت فشانند

ز الماس هزار رو به بازار

صد بدرهٔ زر بها ستانند

و اینکه که یک زبان به گفتار

چو بینه قفس سزاش دانند

وز فیض دو روی و صد زیانه

زد دست به زلف یار شان

نقل از مجلهٔ ارمغان - شماره نخست سال اول

ولی همهٔ فوق السماں محلها

ولکن لحظی فی الحضیض نصیب

رای الفلک الدوار سعی فقال لی

اتسلینی خطا و انت ادیب

پس از آن که در پایان شب سیاه صبح سپید

زامنداری بندگان حضرت اشرف طلوع کرد

امیدوار شدم که عنقریب آب رفته ارمغان به

جوی بازآید و کاخی را که بزرگواری یگانه

شالوده ریخته به دست همت دومین بزرگ

استوار گردد. اما برخلاف امید خبر رسید که در

ضمن توقیف تمام مطبوعات مجلهٔ ارمغان هم

توقیف شد. اینک برای درخواست اجازهٔ طبع

یک مجلهٔ پرهیزکار از سیاست و هم دیانت

جواب عریضهٔ محتویه بر قبض اشتراک سال

اول که اخیراً در خراسان ارسال حضور مقدس

شده رباعی ذیل را از لحاظ انور گذرانیده و ادای

وظیفهٔ حقیقی شاعرانه خویش را موکول به

موقع فرصتی می‌دارم که به همراهی حضرت

مستطاب اجل آقای فهیم‌الملک دام اقباله شرف

حضور معرفت دستور خواهم شد.

رباعی

ای مرد هشیوار سیاست انباز

و ای برگ صلاح ملک و ملت ز تو ساز

تو صبح سعادت سپیدی مپسند

بر من که شود شام سیاهم آغاز

وحید

سند شماره ۹

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۴۱۸۵

کارتن ۸ دوسیه [؟]

تاریخ ارسالی ۲۹ جوزای ۱۳۰۰

اسم نویسنده دفتر مخصوص

حکومت نظامی طهران

مجلهٔ ارمغان که یک مجله ادبی است و

تحت مدیریت آقای وحید اصفهانی طبع و نشر

می‌شود کمافی‌السابق آزاد است که انتشار یابد

قدغن نماید از طبع و نشر آن ممانعت نکنند.

سند شماره ۱۰

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۷۵۹

کارتن ۸ دوسیه ۳/۱۰

تاریخ ارسالی حمل ۱۳۰۰

وزارت جلیله معارف و اوقاف

حسب‌الامر مقام منیع ریاست وزراء عظام

آقای میرزا ابراهیم خان ناهید اجازه دارند یک

روزنامهٔ کاریکاتور موسوم به (ناهید) طبع و نشر

کنند. مقرر خواهند فرمود امتیاز روزنامهٔ مزبوره

را به ایشان بدهند که شروع به انتشار آن نمایند.

[امضا]

حکومت نظامی طهران

آقای میرزا ابراهیم خان ناهید دارای امتیاز و

اجازه طبع و انتشار جریده ناهید کاریکاتور

می باشد. قدغن فرماید مأمورین حکومت نظامی به هیچ وجه از طبع و نشر آن ممانعت نکنند. حسب الامر

[امضا]

سند شماره ۱۱

ریاست وزراء

وزارت جلیله معارف و اوقاف

آقای میرزا ابراهیم خان ناهید اجازه دارند یک روزنامه کاریکاتور موسوم به (ناهید) طبع و نشر کنند. قدغن فرماید امتیاز روزنامه مزبوره را به ایشان بدهند که شروع به انتشار آن نمایند.

سند شماره ۱۲

مقام منبع محترم ریاست وزراء عظام دامت شوکته العالی به موجب اعلامی که چندی قبل راجع به توقیف عمومی مطبوعات از طرف حضرت اشرف منتشر شد من بنده نیز از انتشار (طبیعت) خودداری نموده ام ولی از آن جا که (طبیعت) نامه ای است علمی و با سیاسیات مملکتی به هیچ وجه سر و کاری ندارد اجازه طبع و توزیع آن را از حضرت اشرف تقاضا می نمایم. تقی بهرامی

عنوان

حسن آباد - منزل دکتر مهذب السلطنه

[حاشیه]:

یک نسخه نیز به جهت ملاحظات به خدمت فرستاده شد.

سند شماره ۱۳

ریاست وزراء

حکومت نظامی طهران

قدغن نمایید از مجله (طبیعت) که در تحت مدیریت آقای میرزا تقی خان منتشر می شود رفع توقیف نموده و مجله مزبوره را برای طبع و نشر آزاد بگذارند مشروط بر این که به هیچ وجه مقالات سیاسی درج نکنند.

[امضا]

سند شماره ۱۴

اداره جریده تهذیب - طهران

مورخه ۱۶ شهر رجب المرجب ۱۳۳۹

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکته

در تعقیب عریضه سابق که راجع به آزادی جریده تهذیب معروض گردیده زحمت افزا می شود که اولاً ورقه تهذیب به موجب همین عریضه متعهد می شود که ابداً تا موقعی که از طرف [؟] حضرت اشرف اشاره ای نشود در سیاسیات مملکتی دخالتی ننموده و ثانیاً مشی خود را به ادبی و درج مقالات اجتماعی اختصاص می دهد در این صورت [؟] اگر باز هم مانعی در پیش است امر نمایید تا به کلی اساس اداره را برچیده و بی جهت [؟] مخارج اداره نشود.

[امضا]

سند شماره ۱۵

اداره جریده تهذیب - طهران

مورخه ۱۶ شهر رجب المرجب ۱۳۳۹

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکته

در عریضه جداگانه آزادی ورقه تهذیب را درخواست نموده ام اینک متمنی است اگر تصمیم قطعی فرموده اید که جراید سابقه آزاد و منتشر نشوند مقرر نمایید اجازه طبع روزنامه

(ری دولت علیه ایران) که سابقاً به عهده مرحوم نویدالممالک [؟] سابق مرحمت کنند که محتوی تصویب نامه ها، امتیازات، قراردادهای فرامین و کلیه [؟]، در واقع آن روزنامه هفتگی تاریخ صحیح برای آتیه خواهد بود.

[امضا]

سند شماره ۱۶

تهران

هیئت مدیره مجله مصور اقبال

تاریخ ۴ شهر شوال المکرم ۱۳۳۹

نمره ۳۷۸۴

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

مجله مصور اقبال که سومین مراحل عمر خود را طی کرده بر طبق نظریات هیئت عامله خود می خواست به توسعه و تعدد نمرات مجله مزبور متدرجاً بیفزاید متأسفانه در کابینه سابق به واسطه پیش آمد اوضاع گرفتار تعطیل و هیئت تحریریه آن دچار بحران گردید. از آن جایی که مجله اقبال به تصدیق اکثری از شرکای محترم و رجال محترم در این اندک مدت خدماتی به عالم مطبوعات کرده و محبوبیت تامی در نزد عامه طبقات پیدا نموده است حیف است که این مؤسسه ملی از میان برود، این است که به وسیله همین عریضه تقاضا می نمایم که امر مقرر فرمایند مجله مزبور کمافی السابق طبع و نشر شود. زیاده امر امر مبارک است.

[امضا]

سند شماره ۱۷

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۴۱۹۷

کارتن ۸ دوسیه ۱/۱۰

تاریخ ارسالی ۲۹ جوزای ۱۳۰۰

اسم نویسنده دفتر مخصوص

حکومت نظامی طهران

اجازه می‌دهد که مجله اقبال را از توقیف خارج نموده و از طبع و نشر آن ممانعت ننماید.

سند شماره ۱۸

۱۳ ثور ۱۳۰۰

مقام مقدس ریاست وزراء عظام دامت عظمته

اضطرار و ناچاری که امروز چاکر را احاطه نموده و امید حیات را بالمژه مقطوع می‌دارد و ادارم کرده که در کابینه آن مقام منبع متحصن گردیده بیچارگی خود را به هر وسیله است به عرض رسانده تا بلکه عنطوفت و رأفت نوع خواهانه آن وجود مقدس را به خود جلب نماید. چاکر از اهالی بخت برگشته ارومیه می‌باشم که تمام علاقتجات و املاک و عده کثیری از فامیل مرا آتش انقلاب آثوریها (آشوریها) چنان بر باد فنا داده است که قابل ترمیم نمی‌باشد.

عده [ای] از فامیل را که بقیه السیف و مقداری کم از ثروت را برداشته فراراً در گیلان اقامت گزیده و به مناسبت معلوماتی که دارم با قوه جوانی توأم گردیده در دوایر حکومتی و مالیه گیلان با مقامات محترمی خدمات لایق عرضه [؟] می‌نمودم تا اخیراً واقعه گیلان اضافه بر بدبختی گردیده لخت و عور با پایی پیاده فامیل و خودم را سلامت به طهران رساندم. شرافت من مانع التماس و التجا به این در و آن در بود و فقط خدمتی را که در نظر خود توانستم با منت کم عهده‌دار شوم خدمت در عالم مطبوعات بود،

فنی و ادبی مصور به اسم (روشنایی) به آقای میرزا سیدعلی شرف‌الملک افشار ارومیه داده شده است. قدغن نمایید مأمورین حکومت نظامی مانع انتشار آن نباشند.

وزارت معارف و اوقاف

به آقای میرزا سیدعلی شرف‌الملک افشار ارومیه اجازه داده می‌شود که یک مجله تاریخی، فنی و ادبی مصور به اسم روشنایی به مدیریت خودشان طبع و نشر کنند لازم است از آن وزارتخانه مطابق مقررات اداری امتیازات مجله مزبوره را به مشارالیه بدهند.

سند شماره ۲۰

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکت

این جانب که هیچ‌گونه سابقه سوئی نداشته و داخل هیچ دسته و حزبی نبوده و نیستم تمنای اجازه انتشار روزنامه [ای] به نام نهضت دارم که موضوعش ادبی، تاریخی [و] اجتماعی است و برای هر نوع تضمینات اخلاقی که عدم سابقه و دخالت بنده را در پلتیک کفایت نماید حاضر هستم.

غلامعلی محمدی

سند شماره ۱۹

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۳۵۳۰

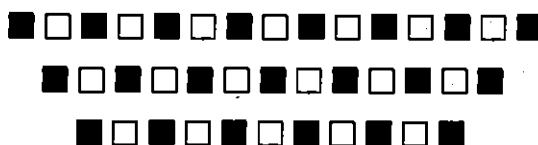
کارتن ۸ دوسیه ۳/۱۰

تاریخ ارسالی ۳ جوزای ۱۳۰۰

طهران به تاریخ ۳ جوزا ۱۳۳۹

حکومت نظامی طهران

اجازه و امتیاز طبع و نشر یک مجله تاریخی،



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

تذکره ایستادگان و وزراء عظام و ...

لذا اتمام مخ صدور دستخط اجازت
جدی ایستادگان جمهور جمعی سیاسی ادبی و فنی نام
دقیق مسمی، با نهایت توجه و تامل
و در وقت تمام بیشتر جمعی و در همه ایستادگان معالده
بیت سون سون زینجا به زمره ایستادگان در خور قرن مسمی
خواه شد نشتر خواهد بود

و نیز نامی آشنگی (ایرا) نام سایر سوادین ایرا
در خواست ایستادگان که تاکنون نظر ایشان در این
بصیحه نامی غیر آشنگی (ایرت) نام از
تاریخی به روزگار تمام دارد اجازت خواهد
نامی آشنگی برای تهیه کتابی در تاریخ اوایل
و آنچه تعلیمات برای این سوره است بر فرازی
مجموعی است

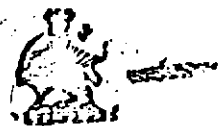
اجازت خواهد کرد

دوستان
دکتر علی محمد...

پروفسور...

طهران تاریخ ۱۳۳۹

اسم ویسنده صادره



حکومت و وزارت معارف

نمبر کتاب ثبت	۳۶۴
کارتن	۸
ذکر نمره های قبل	۱

تاریخ ارسال ۱۱/۱۱/۳۳

مدت حضرت آیت مکنیز لاظم خان حاکم نظامی طهران درام ان که

نظر بانسید آیت مکنیز لاظم خان محطت آنجا که اندک اجازة طبع و نشر میدورند
و طبع ایشان داده شد بوجه ارباب آن حضرت و نشر آن آثار در شهر تهران
توسط خزانة سرالیه را در طبع و نشر روزنامه نیز برده شد از آنکه آنست

استنوا کاپنیز لاظم خان
نمبر ۱۷

تاریخ ۸-۱۱-۱۳۳۹

روزنامه جریده وطن

طهران

نمبره
ضمیمه

کار خندان ما که در هر دو روز یکبار در هر روز یکبار
در هر وقت در آن حال حاضرند است در هر

سند شماره ۴

۱۴۴

صادره

تهران - تاریخ

اسم نویسنده



ریاست وزراء

رداه علم
فخریه روزنامه وطن را که گمان زیاد کند از طبع و بیان برای
عانت ما

نمبر کتاب ثبت	۳۵۸۸
کارتن	۸
دوسیه	۱
ذکر نمبره های قبل	۱۰

تاریخ ارسالی --- ۱۲ جزا

سند شماره ۵

۱۴۴

صادره

تهران - تاریخ

اسم نویسنده



ریاست وزراء

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی
اداره علمیه

بجای قدرت است و در اعلام هم است روزنامه و طرا
احضرت کیم در انستار ان تا اجه زه تا نهن مجله کیم

نمبر کتاب ثبت	۶۹۱۴
کارتن	۸
دوسیه	۱
ذکر نمبره های قبل	۱۰

تاریخ ارسالی --- ۲۵ جزا

Rédaction "HAGUEOULAH"
TÉHÉRAN
Adr. Tél. "HAGUEOULAH"-Téhéran

מערכת "הגאולה"
עיון שבועי-ידיד
הכתובת: "הגאולה" - טהראן

اداره روزنامه «هگولا»
در تهران: «هگولا» - طهران

Téhéran, le _____ ۱۹ _____

יום _____ חודש _____

۱۳۴۹ _____

مقامین رفیع بندگیان حضرت شرف اعظم بابت در اول اوست کونته الی

بدین حضرت شرف اعظم لایبره در خدمت شریفان و رفیع بنده بندگیان حضرت شرف اعظم لایبره در خدمت شریفان

فرمانده اجازه تا در این وقت رجوعه (بگنولله) صادر کرده تاکنون رجوعه نموده حال تعطیل است و با این فرجه رجوعه امکان ندارد

آن گشته است . رجوعه (بگنولله) فقط بجهت رفیقان خاصین و نشریه شود .

سنگ رجوعه (بگنولله) : مکرر ، اجتماع ، ادب ، اخلاق ، تاریخ و غیره بیشتر در اوضاع و احوال کیهان بحث و گفت گو کند و بجز

مکتوبها را نشریه نبرد . اینک از بندگیان حضرت شرف اعظم علامه است در صورت نیاید که امر و قدره فرماید که رجوعه بفرماید

کافران بنی و نشریه گردد تا پیش از این شماره رجوعه کارکنان اداره روزنامه (بگنولله) نشود . امر اولی

بیت الله نعیم

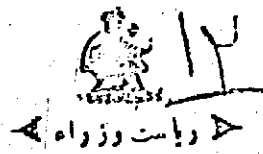
اجازت داد نمود
مکرمه نظام دوست محترم
ادبیت

۱۳۴۹

۲۱۵۲

سند شماره ۷

طهران تاریخ ۱۳۳۰-۱
اسم نویسنده: صادره



وزارت ویرانه
شماره کتاب ثبت ۲۱۵۲
تاریخ ۸ دوسیه
ذکر نمره های قبل ۱
تاریخ ارسالی ۱۳۳۰/۱۲

مکتب نظر طهران

لذاتاً به گنجه اسناد و کتب در حوزة علمیه و کتب در حوزة علمیه
و نیز به کتب و کتب در حوزة علمیه و کتب در حوزة علمیه
و نیز به کتب و کتب در حوزة علمیه و کتب در حوزة علمیه

۱۳۳۰/۱۲

۲

سند شماره ۹

طهران تاریخ ۱۳۳۰
اسم نویسنده: صادره



وزارت ویرانه
شماره کتاب ثبت ۴۱۸۵
تاریخ ۸ دوسیه
ذکر نمره های قبل ۱
تاریخ ارسالی ۲۹/۱۳۳۰

مکتب نظر طهران
لذاتاً به گنجه اسناد و کتب در حوزة علمیه و کتب در حوزة علمیه
و نیز به کتب و کتب در حوزة علمیه و کتب در حوزة علمیه
و نیز به کتب و کتب در حوزة علمیه و کتب در حوزة علمیه

اداره مجله ارشاد

شماره ۹ - شهری ۱۳۳۹

مطابق - بروج - نابل ۱۲۹

شماره ۹ - شهری ۱۳۳۹

شماره - رومی یک لشاد

مطابق

پس از ادای مراسم بزرگ و زاهد شربت نوشیدن - بعد از آن
(این سرکاره کمد سه نفره اول همه ادای شربت و دوم با کلاه و عمامه)

آقای و خانم اولاد در تریزه و میرت شربت نقد با حضرت در بیگانه
و با درینست دست زنت اکثرت هر تریزه کاه و طیفه او به خود فرود آمدند

چند نفر کتب (سرگشت ادب) هم که خدیون بان بزرگوار کینه بر تمام ماوس شربت
گردانیدند بنیافت در سرگذشت گرفته اند - در بیان نقل انگریز کاتب

طبع انظر انک در راه اولیای شربت - صبح اجام - بهای دست
اولیای و در صبح با هم زین (چهار روز کرد که سمنی در حال اول بود)

باین نسبت یکی از حضرت بران اولیای من در روز دوازده و دو و صدیای در اول
نیز از تمام و شش با کینه نو خدایه تا به تمام ارشاد کرد و اولیای شربت کاتبی

این بریت زینت و تفسیر کینه که او به امام با بعد داده
بر تمام شربت و بعد اولیای راه تا چند شربت کاتبی

مغز شربت شربت جاده زینت از سر خود را تا به تمام شربت کاتبی
در تمام شربت زینت کاه مال بدست استوار کاتبی

بگویند زینت راه بهیچ گرفته شربت کاتبی
بگویند زینت راه زینت از سر خود را تا به تمام شربت کاتبی

چون پنج دوری در پیش و کوزه
کیم دست پر چو در پیکار
بکن چو ملک شربت زنده

زادش اولاد با زور
دیند کویک زینت بقدر
دینش دوری در صد زبان

زادش زینت درش - نظر کردارین - زینت درش
ولی همه فرق السال خلاها
و کان لخطی فی الخدیون

رای الکاب الدوا و سعید و نقالی
بگردانم در بیان شربت به هیچ سینه زاداری
کفرت اب زنت از حضرت بوی ازین و کله بزرگاری

بست درین بزرگ بزرگوار و ده
بست در تمام شربت با کینه با زینت
بست در تمام شربت با کینه با زینت

بست در تمام شربت با کینه با زینت
بست در تمام شربت با کینه با زینت
بست در تمام شربت با کینه با زینت

بست در تمام شربت با کینه با زینت
بست در تمام شربت با کینه با زینت
بست در تمام شربت با کینه با زینت

بست در تمام شربت با کینه با زینت
بست در تمام شربت با کینه با زینت
بست در تمام شربت با کینه با زینت

بست در تمام شربت با کینه با زینت
بست در تمام شربت با کینه با زینت
بست در تمام شربت با کینه با زینت

طهران - تاریخ ۱۴۴
اسم نویسنده صادره

است وزراء

بابت	۷۵۹
دوسیه	۵
مایل	۱۰

تاریخ ۱۳۰۰

مدیریت دارالت

حج و عمر تقمیر بیت و ذوات عظیم هر دو در ایام من تمام شده اند
 یک روزنامه که در ایام من تمام شده است طبع در کتب از خودم از
 اعتبار از روزنامه فزیده را باقی مانده است که از آن باقی مانده است
 محبت نظر من
 هر دو در ایام من تمام شده است و این طبع و این است و این است
 که در ایام من تمام شده است و این است و این است
 و در آن است که من تمام کرده است

کتابخانه دارالت
 تاریخ ۱۳۰۰

تاریخ ————— برج ————— بلد ۱۳۳
ضمیمه



ریاست وزارت

نمره

ذات پارسا و دانا

صدا از سر
دگر ز یاد بستم تا یکه بود در یک صف و کارگاه
بدانیه، طبع دگر کنند و هم نایه، چند روز
ز زبیر این بی بزمه در شرح بتراکان نیاز

0

طهران تاریخ ۱۳۴
اسم نویسنده ماده



ریاست وزراء

نمره کتاب بیت
کارتن دو سیه
ذکر نمره های قبل

تاریخ ارسالی

مکتب های طراح
تفصیح هم از معلم (لطیف) در دست خود کتابی از یادگارهای منگ
از مع روش نغم و چند نردبان و از این طبع و نشر اراد کند ایام
بر اینک هم به هم تعداد یک دوغ کنند

کتابخانه ریاست وزراء
نمره ۱۳۴

۱۸
۱۵

مقام سید محمد باکست وزیر اعظم پاکستان

دوره اول
شماره ۲۲
۱۳۵۶
نوبت اول

کتابخانه
موسسه
۱۳۵۶

مجموعه اسناد سید محمد باکست - توقیف

مطبوعات از طرف حضرت ائمه

مفسرین از امامت (علیهم السلام) در این مکتب

از امامت (علیهم السلام) به بیت علم و با کمال

فلسفه پیچیده و گامی دارد اجازه طبع و کتب

ان را از حضرت ائمه (علیهم السلام) تا زمان

کتابخانه
موسسه
۱۳۵۶

تقریباً - به نام
عزاد { حسن آباد - منزل دکتر محمد باکست

این کتاب

مورخه ۱۶ شهریور ۱۳۳۹

اداره جویب و شاداب - طهران ۹

نمبره ضمیمه

مقام ریاست وزارت

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

معاونت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

معاونت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

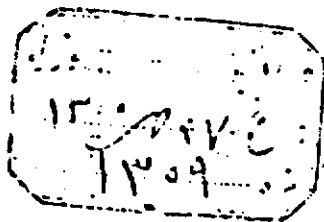
معاونت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

معاونت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

معاونت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

معاونت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

معاونت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه



اداره فرهنگ و تہذیب - دہلی

مورخہ ۱۶ شہر محرم الحرام ۱۳۳۹

نمبر ۱۰۰۰۰۰۰۰ ضمیمہ

مقام مسیحیہ است و زرارہ عظام دہلی

در خواستہ بردارنہ ازادی در تہ تہذیب و ادب

اینک است کہ از تہذیب و تمدن

آزاد و نشر شوند متواتر باید اجازتہ طبع روزنامہ

دریاد است تہذیب و تمدن

مؤید است کہ با تہذیب و تمدن

تہذیب و تمدن - امتیازات - آزادی و

تہذیب و تمدن - در واقع آن روزنامہ

تہذیب و تمدن - آزادی و

تہذیب و تمدن - آزادی و

۱
۱۰

طهران بتاريخ ۳ فروردین ۱۳۲۹
اسم نویسنده - - - - - صادره حکومت

ریاست وزراء

نمبره کتاب ثبت ۳۵۳۷
کرتق ۸
دوسه ۵۰
نمبره نمره های قبل ۱۰

مکاتب نظامی طهران

در تاریخ ارسال ۳ فروردین ۱۳۲۹ جناب آقایان در کتب مطبوعه در کتب مطبوعه (در کتب مطبوعه)

برای تهیه کتب مطبوعه در کتب مطبوعه در کتب مطبوعه
موضوع مکاتب نظامی طهران باشد

در این کتاب در کتب مطبوعه و اوراق
بنا بر این اساس در کتب مطبوعه در کتب مطبوعه
در کتب مطبوعه و اوراق مطبوعه در کتب مطبوعه
نظریه کتب مطبوعه در کتب مطبوعه در کتب مطبوعه
از این کتاب در کتب مطبوعه در کتب مطبوعه

۱۳۲۹

۱۰
۷

تقریرات در مقام در سوره

این باب در پیوسته سابقه بر آن نوشته و در اصل پنج دسته و هر یک بنحویست متن
و عبارت باشد در آنجا بنام حضرت امام در موضوع ادب و آیینی جمعی است در
برخی قصیدات قدسیه در علم سابقه و در فکرت بنده و در سبک خوارانه در
غرض - غرض

اکتوسی - کرم در سه ناموس

بقیة الله علیه و آله
در مقام از نظر علم و در بنیاد و در
میر تقی میر

۱۰

۷

۱۰
۷